

کتاب انسان‌شناسی

پنلوپه براون / کریستین جوردن  
الیزابت پووینلی / پیتر گاردنفورس  
پاسکال بویر / ادوارد بی ور

# شناسخت و فرهنگ

رویکرد انسان‌شناسی به فرهنگ، زبان و دین

تحمۀ جبار رحمانی / رضا اسکندری  
شناختیان / یاسمین قیزاز



انتشارات تیسا

شناخت و فرهنگ



انتشارات تیسا

[www.teesa.pub](http://www.teesa.pub)



ما فقط کتاب فروشیم

[www.banasher.com](http://www.banasher.com)

به نام خالق پیدا و پنهان  
که پیدا و نهان دارد به یک سان

عنوان و نام پدیدآور : شناخت و فرهنگ؛ رویکرد انسان‌شناسی شناختی به فرهنگ، زبان و دین/  
نویسنده‌گان پنلویه براون ... [و دیگران]؛ مترجمان جبار رحمانی ...  
[و دیگران]؛ با مقدمه ناصر فکوهی.

مشخصات نشر :	تهران: تپسا، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری :	۲۱ ص؛ جدول، نمودار؛ ۱۴/۵×۲۱
فروش :	انتشارات تپسا؛ شماره نشر ۲۷۶؛ کتاب انسان‌شناخت؛ ۴۳.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۸۹۴۲-۲۲-۱؛ ۳۹۹۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیبا
یادداشت :	کتاب حاضر ترجمه چند مقاله از دو کتاب "Language, Culture and Society" و "Embodiment in Cognition and Culture" است.
یادداشت :	نویسنده‌گان پنلویه براون، کریستین جوردن، الیزابت پووینی، پیتر گاردنفورس، پاسکال بویر، ادوارد بیور.
یادداشت :	مترجمان جبار رحمانی، رضا آسکندری، مهسا شیخان، یاسمین فرجزاد.
موضوع :	زبان و فرهنگ
موضوع :	Language and Culture
موضوع :	جامعه‌شناسی زبان
موضوع :	Sociolinguistics
موضوع :	براون، پنی، -۱۹۴۴، پنی، م
موضوع :	Brown, Penny
شانه افزوده :	رحمانی، جبار، -۱۳۵۹، مترجم
شانه افزوده :	فکوهی، ناصر، -۱۳۲۵، مقدمه‌نویس
ردبهندی کنگره :	۱۳۹۸ ش/۹
ردبهندی دیوبی :	۴۴/۰۲۶
شماره کتابشناسی ملی :	۴۹۸۴۶۶۴

## انتشارات تیسا منتشر کرده است:

- آتش و خشم، درون کاخ سفید ترامپ \* مایکل وولف
- بردیه (رمان) \* پاتریشا مک کورمیک
- بوی خوش عشق (رمان) \* نیازی کلوش
- بیشورها، نظریهای درباره دونالد ترامپ \* آرون جیمز
- بیشورهای ابدی، شناخت بیشورهای اصلاح‌ناهایی و راهکارهای مقابله با آن \* خاوریر کرمنت
- توطنه بیشورها \* خاوریر کرمنت
- جامعه‌شناسی جوانان \* بیژن خواجه‌نوری
- جامعه‌شناسی چشم و هم‌چشمی \* فرشاد قوشچی
- حکمرانی حزبی و دمکراسی حزبی \* ولگانگ مولر، هانمارسه نارود
- در محضر توپخانه، خودشترنگاری در مطالعه فضاهای شهری \* محمد نظریور در آمدی به طنزپژوهی \* با مقدمه و زیر نظر محمود فرجامی
- رخداد، سوژه و حقیقت در اندیشه سیاسی آلن بدیو \* پوریا پرنوش
- زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش؛ نگرهای جنسیتی در مدنیتی ایرانی \* افسانه نجم آبادی
- زنان و کیفیت زندگی شهری \* فربا سیدان
- ژورنالیسم تلویزیونی \* سید مهدی شریفی \* افسین امیدی
- ساختار طبقات جوامع پیشرفته \* آنتونی گیدزن
- سیاست‌نامه سعدی \* روح‌الله اسلامی
- فارسی عمومی \* سیما رحمانی‌فر
- فروخته شده (رمان) \* پاتریشا مک کورمیک
- مارج (رمان) \* جلال‌الدین بورکس
- مونتسکیو و روسو پیشگامان جامعه‌شناسی \* امیل دورکیم
- نظریه شهری و تجربه شهری \* سیمون پارکر
- نظریه‌های متاخر توجیه و شناخت \* جلال پیکانی

پنلوپه براون / کریستین جوردن  
الیزابت پووینلی / پیتر گاردنفورس  
پاسکال بویر / ادوارد بی ور

# شناخت و فرهنگ

رویکرد انسان شناختی به فرهنگ، زبان و دین

با مقدمه دکتر ناصر فکوهی

ترجمه جبار رحمانی / رضا سکنداری  
معشار شناخت / یاسمین فرجزاد



## شناخت و فرهنگ؛ رویکرد انسان‌شناسی شناختی به فرهنگ، زبان و دین

نویسنده‌گان: پنلویه براون، کریستین جوردن، الیزابت پووینلی، پیتر گاردنفورس، پاسکال بویر،  
ادوارد بیور

مترجمان: جبار رحمانی، رضا اسکندری، مهسا شیخان، یاسمون فرجزاد

چاپ یکم: تابستان ۱۳۹۸

شماره نشر: ۲۷۶

ویراستار: امیرحسین غلامپور

صفحه‌آرا: سیمین حیدری

لیتوگرافی: یسنا، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: سعید صادقی

تعداد: ۵۵۰ نسخه

قیمت: ۳۹۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۴۲-۲۲-۱

«کتاب‌ها دنیای خود را دارند..»



iteesa



iteesa



telegram.me/iteesa

• انتشارات تیسا

تهران، دروازه شمیران، خیابان بهارستان (ابن سينا)، کوچه حاج علیرضائی، شماره ۹

www.Teesa.ir - iTeesa@mail.com

تلفن: ۰۲۶-۷۷۶-۴۸۹۹

همه حقوق مادی و معنوی این کتاب طبق قرارداد برای ناشر و مترجمان محفوظ است. هرگونه چاپ و تکثیر این کتاب به صورت کلی و یا بخشی از آن، به صورت کاغذی، الکترونیک و صوتی، بدون اجازه کمین ناشر منوع و غیرقانونی است.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد  
استفاده از مطالب تا ۱۰۰۰ کلمه با ذکر منبع بدون اشکال است.

نسخه الکترونیکی این اثر در وبسایت [www.taaghche.ir](http://www.taaghche.ir) قابل خرید است.

این اثر یا اهداف انسان‌دوستانه برای استفاده نایینیابان به رایگان در اختیار مرکز نایینیابان رودکی (کشور) قرار داده شده است.

## فهرست

۱۳	پیشگفتار
۲۱	مقدمه
۲۷	فصل یکم: انسان‌شناسی شناختی
	پنلوپه براون، ترجمه مهسا شیخان
۴۰	انسان‌شناسی شناختی در طول چهار دهه
۴۱	علوم قومی و وارثان بلافصل آن
۴۶	علم قومی و «قوم‌نگاری جدید»
۵۳	مدل‌های فرهنگی
۵۷	نسیت زبانی
۶۰	احیای ساپیر و ورف
۶۴	زبان فضایی و تفکر فضایی در میان فرهنگ‌ها
۷۷	نتایج: ظهور عصر انسان‌شناسی شناختی
۸۴	فصل دوم: پیدایش پیجین و کریبول: یک بحث انسان‌شناسی
۸۹	کریستین جوردن، ترجمه مهسا شیخان
۹۶	پیجین و کریبول: موقعیت کنونی
۹۷	فرهنگ در تکوین پیجین و کریبول
۹۸	قدرت، داشت، و مقاومت
۹۹	شناخت، <i>superstrate</i> ، و جهان‌شمول‌ها
۱۰۰	نتیجه

## ۱۰. شناخت و فرهنگ

فصل سوم: دستور زبان خودمانی: بیان انسان‌شناسانه و تحلیل روان‌شناختی زبان، جنسیت، و میل جنسی.....	۹۱
الیزابت پووینلی، ترجمه مهسا شیخان «احتمالاً دختر است»: ظهر زبانی جنسیت و تمایلات جنسی.....	۹۷
سوژه زبان (the subject of language).....	۱۰۶
فصل چهارم: معناشناسی شناختی و طرح‌واره‌های تصویری با نیروهای تجسم یافته... ۱۱۷	
پیتر گاردنفورس، ترجمه رضا اسکندری	
۱. معناشناسی شناختی .....	۱۱۷
۲. طرح‌واره‌های تصویری .....	۱۲۱
۳. تجسم‌بخشی پویا به طرح‌واره‌های تصویری .....	۱۲۹
کنش‌ها، نیروها و طرح‌واره‌های تجسم یافته.....	۱۳۱
قدرت در برابر نیرو.....	۱۳۷
۴. یک مطالعه موردی: افعال و جهی .....	۱۴۰
۵. نتیجه‌گیری .....	۱۴۳
فصل پنجم: محدودیت‌های شناختی برای بازنمایی‌های فرهنگی: هستی‌شناسی‌های طبیعی و ایده‌های مذهبی..... ۱۴۶	
پاسکال بویر، ترجمه جبار رحمانی	
تکرار و تعین فرهنگی .....	۱۴۸
امر غیر طبیعی به مثابه خصیصه‌ای شهودی .....	۱۵۰
تنوع شناختی به مثابه قلمرو خاص بودگی .....	۱۵۳
انتقال فرهنگی .....	۱۵۵
فرض‌های صریح و پس‌زمینه‌های آن‌ها.....	۱۵۷
یک مثال: ارواح در بین فنگ‌ها.....	۱۵۸
پس‌زمینه: فرض‌های ضمنی .....	۱۶۱
هستی‌شناسی شهودی .....	۱۶۳
طبقه‌بندی‌های هستی‌شناختی .....	۱۶۴
اصول شهودی قلمروهای خاص .....	۱۶۵
مطالعه موردی مردم فنگ: فیزیک روح و روان‌شناسی روح خطاهای و تحریف‌های رایج و بهینه بودن شناختی .....	۱۶۷
یک تفسیر حدسی .....	۱۷۱
۱۷۲	

فهرست ۱۱

۱۷۴.....	حالت مطلوب شناختی
۱۷۶.....	نتیجه‌گیری: طبیعی بودن ادعاهای مذهبی
۱۸۰.....	فصل ششم: سرکوب و واقعیت
	ادوارد بیور، ترجمه یاسمن فرجزاد
۱۸۱.....	جادو و جامعه
۱۸۲.....	عاملان جادوی نیک
۱۹۹.....	روش‌های سرکوب
۲۰۰.....	دستگاه قضایی
۲۰۸.....	کلیسا

## پیشگفتار

### چشم اندازهای گستردۀ دانشی در ابتدای راه: انسان‌شناسی شناختی

در تاریخ نظریه‌های جدید انسان‌شناسی، زمانی که از «انسان‌شناسی شناختی» نام برده می‌شود، بدون درنگ نام روی داندربید<sup>۱</sup> انسان‌شناس امریکایی دانشگاه کانکتیکت به مثابه بنیان‌گذار این رشته از انسان‌شناسی فرهنگی به میان می‌آید. زیرا مهم‌ترین کتاب در این زمینه و درآمدی بر این شاخۀ جدید در انسان‌شناسی را وی با نام «توسعۀ انسان‌شناسی شناختی» در سال ۱۹۹۵ به انتشار رسانده است. این کتاب خود نیز حاصل بیش از ده سال کار وی در زمینه‌های مختلف رفتاری، ساختار اندیشه و دریافت در اندیشه انسانی به شمار می‌آمد که با مقالات و کتاب‌های دیگری در حوزه مدل‌سازی‌های ذهنی انسان برای درک جهان پیرامونی اش و تصمیم‌گیری‌های روانی و رفتاری، آغاز شده بود. درس معروف موریس بلوک<sup>۲</sup> انسان‌شناس فرانسوی برای کرسی انسان‌شناسی شناختی در کلژ دوفرانس، تقریباً ده سال پس از کتاب داندربید، در سال ۲۰۰۶ ارائه شد و کتاب معروف فیلیپ دسکولا<sup>۳</sup>، انسان‌شناس دیگر

1. Roy D'andrade

2. Maurice Bloch

3. Philippe Descola

فرانسوی و رئیس آزمایشگاه انسان‌شناسی فرهنگی کلژ دو فرانس و به‌نوعی ادامه‌دهنده راه کلود لوی - استروس، با عنوان «فراتر از طبیعت و فرهنگ» تقریباً هم‌زمان با درس بلوك در سال ۲۰۰۵ بود. هر یک از این کتاب‌ها به گونه‌ای تلاش کرده‌اند سنتزی فکری برای یک نقشه راه آتی در انسان‌شناسی و پژوهش‌هایی بر سازوکارهای اندیشه انسان ارائه دهند و بتوانند به معماهی پاسخ دهند که پیش از همه آن‌ها، اگر از پیگشامانی چون مونتنی و روسو بگذریم، نخستین بار در دوران مدرن، کلود لوی - استروس با کتاب ارزشمند خود «اندیشه وحشی» در سال ۱۹۶۲ مطرح کرده بود. در حقیقت، استروس، بسیار زود از نتایجی که در جلد نخست «انسان‌شناسی ساختاری» خود با کار بر جوامع سرخپوست امریکای جنوبی به دست آورده و ساختاری دوتایی که در رویکردهای این جوامع در درک جهان یافته بود، و الهامی که از زبان‌شناسی، به‌ویژه زبان‌شناسی ساختاری روسی و سوئیسی (تروریتزکوی، دوسوسور و یاکویسن) گرفته بود، به این نتیجه رسید که «انسان» به مثابه موجودی واحد (چه انسان «متمند» در جوامع «پیشرفت») با نظام‌های نوشتاری - گفتاری «منظقی» و چه در جوامع به اصطلاح «ابتدايی» فاقد این نظام‌ها، دارای قواعد و روابط و سازوکارهای مشابهی هستند که به آن‌ها امکان می‌دهد بتوانند جهان را دریافت و ادراک کرده و براساس این فرایندها آن را پردازش کنند و به نظام‌های کُنش امکان وقوع بدeneند. و هرچند فیلیپ دسکولا در کتابش تا اندازه زیادی با تقسیمی که در وجود گستالت میان اندیشه انسان غربی و انسان ابتدايی مطرح می‌کند «اندیشیدن طبیعی» را گونه‌ای به‌کلی متفاوت از «اندیشیدن فرهنگی» و زیانی قلمداد می‌کند، اما می‌توان گفت که تزهای دسکولا تاکنون در عرصه انسان‌شناسی و به‌ویژه در عرصه مطالعات شناختی چندان مورد اجماع قرار نگرفته‌اند.

همین نکته ما را به واقعیتی می‌رساند که باید برای ما به مثابه انسان‌شناس، به مثابه علاقمند به شناخت علمی و درک دقیق پدیده‌هایی که در جهان هستی با آن‌ها سروکار داریم، بسیار پراهمیت باشد و آن ساختاری

است که علوم‌شناختی، با پیشینه‌ای بسیار قدیمی‌تر از انسان‌شناسی امروز، از ترکیب شش شاخه انسان‌شناسی، مطالعات عصبی، مطالعات هوش مصنوعی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و فلسفه، به آن دست یافته‌اند. بدین ترتیب عرصه مطالعات شناختی، هرچند در قالب «انسان» پردازش ترین امکان را برای مطالعه سازوکارهای آنچه «اندیشه» می‌نامیم به ما می‌دهد، اما مفهوم «اندیشه» و از آن بیشتر مفهوم «شناخت» را به سختی در چهارچوب‌های جدید علمی می‌توان به «انسان» خلاصه کرد و آن مطالعات نیز چنین قصدى ندارند. در حقیقت، دستاوردهای مهمی که رفتارشناسی جانوری از جمله با مطالعات پل دو و وال در سال‌های اخیر به آن دست یافته است و حتی پدیده‌هایی چون اخلاق، نوع دوستی، مبادله و برخی از نظام‌های اجتماعی جانوران را نیز در چشم‌اندازهای جدید، نه مختص انسان، بلکه پدیده‌هایی قابل تعمیم دادن به بسیاری از موجودات صرف نظر از نظریه‌های داروینیستی تطورگرایانه، می‌شمارد، به این ساختار کمک کرده‌اند تا هرچه پیچیده‌تر شده و بتواند مسئله «شناخت» و سازوکارهایش را در چشم‌اندازی از «تاریخ حیات» قراردهد.

پرسش بدین ترتیب کاملاً تغییر می‌کند: اگر ما «اندیشه» را خاص انسان یا این و آن جانور ندانیم و حتی رشد اندیشه و قابلیت و توانایی بازنمایی‌ها را بر رشد نظام‌های عصبی و آناتومیک در رابطه‌ای خودکار قرار ندهیم، برای مثال به این نکته توجه کنیم که برخی از گونه‌های بسیار «ابتدای»‌تر، دارای قابلیت‌های حسی و توانایی‌های عصبی بسیار قدرتمندتری در برخی از موارد هستند تا جانورانی که از لحاظ منطق داروینیستی در مرحله‌ای پیشرفته‌تر قرار می‌گیرند، ممکن است تمام داده‌هاییمان تغییر کند. در اینجا ما دیگر بر مقیاس‌های چند میلیون سالی انسان (۴ میلیون سال از شروع گونه «هومو»‌ها) نیستیم، بلکه می‌توانیم به مقیاس‌های میلیاردی (۴ میلیارد سال از آغاز پیدایش حیات بر کره زمین) سخن بگوییم. و اگر این داده‌ها را با داده‌های دیگری در زمینه فیزیک و کیهان‌شناسی مدرن، در تقاطع قرار بدهیم، فاصله‌ای باز هم بیشتر از نقطه

آغازین (انفجار بزرگ) در حدود ۱۳ و نیم میلیارد سال پیش پیدا می‌کنیم که یک بازه مرکزی را تا بی‌نهایت بسط داد و درنتیجه دو چشم‌انداز بی‌نهایت بزرگ و بی‌نهایت کوچک به محاسباتمان افزوده می‌شوند. رویکردهایی که تا چند سال پیش، بیشتر در عرصه داستان‌های تخیلی قرار می‌گرفتند اما امروز باید هرچه بیشتر و با مشکلات سخت‌تری آن‌ها را در معادلات خود در نظر بگیریم.

وقتی با این سطح از پیچیدگی در پدیده حیات و پدیده کیهان روبرو می‌شویم، می‌توانیم با نگاه فروتنانه‌تری به لوى - استروس و «اندیشه وحشی» او بازگردیم، یعنی زمانی که وی شناخت و سازوکارهای آن را در انسان ابتدایی، که هنوز از خلال فرایندهای گسترش زبان دوتایی، جهان را به دو تایی‌های محدودی که می‌شناسیم، تقلیل نداده است، به جای آنکه در رابطه زبانی، خود را به همه عرصه‌هایی گسترش بدهد که شاید هرگز با آن‌ها سروکار نداشته باشد، و در عین حال دایره لغاتی بزرگ و در عین حال سطحی پیدا کند، به عناصر پیرامونی اش محدود کرده، اما گسترش عمیقی به آن‌ها داده است، پرسش به زبان ساده آن است که آیا یک انسان مدرن عمیق‌تر می‌اندیشد که برای همه پدیده‌های عالم، واژگانی «طبقه‌بندی‌کننده» و «طبقه‌بندی‌شده» دارد و سازوکارهایی از رده‌بندی، طبقه‌بندی، سلسه‌مراتب و... برای تقلیل جهان و جای دادن آن در دامنه محدود زبان مورد استفاده خود، یا انسان‌هایی که در نزدیکی بیشتر با طبیعت، گستره بزرگی از واژگان را صرفاً برای چند پدیده محدود، نظیر پدیده‌های طبیعی (باد، آب، باران، آتش و...) به وجود آورده‌اند؟ طبقه‌بندی‌هایی همچون جاندار/ بی‌جان، گیاه / حیوان / انسان، عمق بیشتری دارند یا نام‌های توتمی‌ای که انسان‌های «ابتدایی» در ترکیب میان این گونه‌های مختلف حیات به کار می‌برند و اغلب از تقسیم و تفکیک آن‌ها سرباز می‌زنند و می‌توانند به سهولت از یکی به دیگری سیر کنند و یا هر دو یا همه را با هم در اندیشه‌ای که برای ما غیرقابل درک و پرتفاق‌پذیر می‌آید با یکدیگر گرد بیاورند.

بیاییم سخن خود را در زبانی ساده‌تر و قابل دسترس‌تر برای همه، مثلاً در تاریخ هنر باز کنیم: اگر در قرن نوزدهم، زمانی که اروپایی‌ها برای نخستین بار با هنرهای گرافیک، بدون شکل، یا با شکل‌های «عجب و غریب» در میان مردمان «ابتداًی» در میان بومیان استرالیا، امریکای جنوبی و افریقا، رو به رو می‌شدند و در هنر اروپایی، در اوچ هنر فیگوراتیو یعنی تلاش برای تقلید از واقعیت بیرونی به نزدیک‌ترین شکل و شبیه‌ترین صورت ممکن، کسی ادعا می‌کرد که صد یا دویست سال بعد، مهم‌ترین و پر طرفدارترین تابلوهای هنری‌ای که بیشترین بها برای آن‌ها پرداخت می‌شود و بیشترین خواستاران را در میان اهل فن، هنرمندان دیگر و هنردوستان با فرهنگ دارند، تابلوهایی خواهند بود که نه طبیعت را تقلید و تکرار بلکه آن را با تفسیری صوری و آبستراکت بازنمایی کنند، ایا همه به او نمی‌خندیدند؟ می‌دانیم که هنوز در انتهای قرن نوزدهم، نقاشان امپرسیونیست که صرفاً در برخی از نقش‌ها، رنگ‌ها از واقع گرایی و طبیعت گرایی محض هنر کلاسیک فاصله گرفته بودند، حتی اجازه نداشتند به نمایشگاه‌های رسمی وارد شوند و به آن‌ها نام «وحشی» (فوو) داده می‌شد و همین نام بود که بعداً به سبک «فوویسم» شهرت یافت (هنرمندانی نظیر وان گوگ، گوگن،...) حال آیا نمی‌توانیم همین امر را با اندکی تعمیم، به مثابة پیش فرضی برای آن‌چه قرن‌ها با اندیشه بیرون‌آمده از منطق یونانی - رومی، «اندیشه متمدن» نامیده شده، یعنی شکل تقلیل یافته‌ای از رابطه با جهان هستی که از خلال واژگان محدود و ساختارهای نحوی و زبان‌شناختی می‌گذرد، را با گستره بی‌پایان زیان‌ها و فرهنگ‌های گاه بسیار خاموش (چه مکتوب و چه شفاهی) که رابطه‌ای گاه کاملاً متفاوت با این جهان دارند، از یک‌سو، و اشکال کاملاً جدید رابطه هوش مصنوعی، یعنی زبان ریاضیات از سوی دیگر، مقایسه کنیم؟ آیا نباید در نگاه خود نسبت به آن‌چه «شناخت» می‌نامیم و پایه‌های بنیادین آن در میان یونانیانی که بعداً رم را ساختند، اساساً برپایه قدرت شکل گرفت، تجدید نظر کنیم؟ می‌دانیم که یونانیان تنها کسانی را قادر به «اندیشیدن» می‌دانستند که به زبان یونانی

سخن بگویند، که از نظر آن‌ها تنها زبان «منطقی» (دارای لوگوس) بود، و می‌دانیم که بعدها همین یونان بود که نگاه خود مرکزبین خویش را از طریق اروپا و فرایند استعماری به کل جهان تعمیم داد. بنابراین رابطه‌ای تفکیک‌ناپذیر میان «رشد» کمی و کیفی زبان و رشد «هوش» و «شناخت» هنجارمند ایجاد کرد. ازاین‌رو، آیا نباید با داده‌هایی که رفتارشناسی جانوری، روان‌شناسی عصبی، علوم انفورماتیک، نانوتکنولوژی و سایر علوم جدید اجتماعی و طبیعی، و شیوه‌های تفسیری و نه لزوماً آزمایشگاهی و مادی در اختیار ما می‌گذارند درباره همه‌چیز از جمله بر زبان و رفتار نوزادان و جانوران و حتی «طردشدن‌گان» اندیشه و رفتار (در معنای فوکویی این کلام) بازندهشی کنیم؟ آیا زمان آن نرسیده است که راه را برای بازاندیشیدن بر اندیشه و فرایندهای پیجیده آن در چشم‌اندازی بین‌رشته‌ای، که در آن طبقه‌بندی‌های قرن نوزدهمی و قرن بیستمی تقسیم شناخت دیگر جز به صورت روش‌شناختی کار به جایی نمی‌برند، بگشاییم؟ به گمان ما پاسخ به این پرسش مثبت، و بهترین شیوه و مجموعه دانشی که می‌تواند در کنار سایر شیوه‌ها راه به این مقصود ببرد انسان‌شناسی است.

هم ازاین‌رو، مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ در چهارچوب و در راستای اهداف بین‌رشته‌ای و فلسفه بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای خود از سال‌ها پیش در این میدان قدم گذاشت که طبقه‌بندی‌ها را پشت‌سر بگذارد بدون آنکه الزامات علمی و روش‌شناختی را نایده بگیرد و برای این کار راه را بر همکاری با همه نهادها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی باز گذاشت. آن‌چه در این کتاب می‌آید، ثمره کوچکی از این تلاش است که در همکاری با ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی، در یک برنامه کوتاه‌مدت انجام گرفت. در یک معنا آنچه در این کتاب آمده قطره‌ای است از اقیانوسی که شاید بتوانیم در چند دهه آینده سهم بیشتری از دستیابی به آن داشته باشیم. هم ازاین‌رو، باید از دوستانی که به این همکاری امکان دادند چه در پژوهشگاه و چه در شورای مرکزی انسان‌شناسی و فرهنگ، بهویژه از همکار گرامی آقای دکتر جبار رحمنی، تشکر کنیم و امیدوار

باشیم که در این راه صرفاً تولیدکننده ترجمه نباشیم بلکه با گستره بزرگی از شناخت که در پهنه فرهنگی ایرانی با تمام تنوع زبانی و سبک‌های زندگی، اشکال شناخت و روابط بی‌پایان حسی با طبیعت، با جهان و با کیهان، وجود دارد، در سال‌های آینده هرچه بیشتر به سوی تولید دانش تأثیفی و تفسیری و بنیادین و اندیشه‌برویم. بدون شک اگر به آنچه گفته شد، با دقت بیندیشیم و اگر مسئلان و متولیان علمی کشور ما همان‌گونه که در تأسیس پژوهشگاهی به این نام پیش‌قدم بوده‌اند، موضوع مطالعات شناختی را جدی بگیرند، انسان‌شناسی فرهنگی می‌تواند و باید یکی از ارکان اصلی این مطالعات از جنس و از نسل جدیدی در تاریخ بشر باشد.

ناصر فکوهی

استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران  
مدیر مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ

## مقدمه

انسان‌شناسی‌شناختی یکی از حوزه‌های نسبتاً جدید در علم انسان‌شناسی و بیانگر تعاملات میان رشته‌ای انسان‌شناسی با سایر حوزه‌های علمی است. این شاخه علمی سابقه چندانی در ایران ندارند و بهندرت می‌توان تحقیقی در زبان فارسی در این حوزه دانش پیدا کرد<sup>۱</sup>. انسان‌شناسی‌شناختی به دنبال فهم فرایندها و قواعدی است که در تعامل میان ذهن فرد و نظام فرهنگی آن جامعه فرایندهای تولید، کسب، و کاربرد دانش و معنا را در کنشگران اجتماعی سامان‌دهی می‌کنند. هرچند این حوزه علمی بیشتر بر مقوله زبان به عنوان بستر و بازنمای اصلی فرایندهای شناختی تأکید دارد، اما تحقیقات اخیر بیانگر آن است که انسان‌شناسی‌شناختی، به دنبال فهم فرایندهای تولید معنا در همه وجوده حیات انسانی است.

با توجه به توسعه علم انسان‌شناسی در ایران و وجود سنت‌های فرهنگی غنی، به نظر می‌رسد این حوزه علمی می‌تواند محركی برای تحقیقات علمی در زمینه انسان‌شناسی‌شناختی در ایران باشد. از این‌رو «انسان‌شناسی و فرهنگ» با همکاری «ستاند راهبری توسعه علوم و فناوری‌های شناختی»، مجموعه‌ای از متنون را در این حوزه جدید علمی ترجمه کرده است. این مجموعه به دنبال

۱. در چند سال اخیر خانم لیلا اردبیلی کارهایی در این حوزه تألیف و ترجمه کرده‌اند که گام‌های اولیه برای توسعه این شاخه علمی در ایران می‌باشند.

معرفی این حوزه علمی و مباحثت انسان‌شناسی شناختی در عرصه جهانی است. کتاب حاضر تلاشی است برای معرفی رویکرد انسان‌شناسی شناختی در حوزه‌های فرهنگ، زبان و دین.

فصل اول، با عنوان «انسان‌شناسی شناختی» به طور مختصر، سابقه و پیشینه این علم و مراحل و مباحث اصلی آن را بیان می‌کند. در این نوشتار، پنلوپه براون مروری دارد بر رویکردهایی که بر مطالعات شناخت انسان و تقاوتهای فرهنگی‌ای که در حوزه زبان‌شناسی و انسان‌شناسی تأثیرگذار بوده‌اند. علاوه بر این، براون به این مسئله می‌پردازد که چگونه شناخت در محیط‌ها و بافت‌های بزرگ‌تر اجتماعی به زبان و فرهنگ مرتبط است. به طور خاص، براون به دنبال توضیح مسائل زبان و سیستم‌های فرهنگی و اینکه چگونه دانش در ذهن طبقه‌بندی می‌شود است. در ادامه، رویکرد و هدف انسان‌شناسی شناختی به همراه برخی از مسائل و اصول آن نیز ارائه می‌شود. در این مقاله، براون به‌طور خاص دو مسیر مشخص پژوهشی را بررسی می‌کند: یکی مدل‌های فرهنگی در امریکا و دیگری پرسش‌های جدیدی که در حوزه نسبیت زبانی و با تمرکز بر زبان فضایی و شناخت با مرکزیت اروپا مطرح شده‌اند. درنهایت، با ارزیابی رویکردهای موجود بینش‌هایی را برای مسیر آتی انسان‌شناسی شناختی ارائه می‌دهد.

فصل دوم با عنوان پیدایش پیجین و کریول: یک بحث انسان‌شناسی نوشتۀ کریستین جوردن با تأکید بر شرط تولد زبان در یک فرایند فرهنگی، که فرایندی شناختی نیز هست، آغاز می‌شود؛ و در ادامه کریستین جوردن نشان می‌دهد که تا چه میزان مطالعه پیجین و کریول برای انسان‌شناسان از دوره استعمار اروپایی مهم بوده‌اند. تمرکز وی بر ارتباطات اجتماعی بر تکوین پیجین و کریول از چهار بخش برخوردار است. اول، مقدمه‌ای کلی به مطالعات پیجین و کریول ارائه می‌شود؛ بخش دوم، توجه خاصی به محیط‌های فرهنگی مرتبط مثل اقتصاد اجتماعی دارد؛ در بخش سوم، تکوین پیجین و کریول در قالب نظریه قدرت تحلیل می‌شود. علاوه بر این، نویسنده بیان می‌کند که تفکر درباره یک اصل مشترک برای تمامی زبان‌ها عقلانی

نیست. و درنهایت، بخش چهارم، موقعیت شناخت در تکوین پیجین و کریول را روشن می‌کند.

فصل سوم با عنوان دستور زبان خودمانی نوشته الیزابت پووینلی تلاش دارد کاربرد دیدگاه‌های انسان‌شناسی شناختی در تحلیل رابطه زبان و جنسیت را نشان بدهد. در این نوشتار الیزابت پووینلی با مروری بر مطالعات کنونی زبان، جنسیت و تطبیق مطالعات دیگر در این زمینه تلاش دارد مثالی عینی از زبان و جنسیت را ارائه دهد. در این مقاله علاوه بر این، موضوعات کلی در این حوزه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. الیزابت پووینلی بیان می‌کند که تمامی زبان‌ها به صورتی معنایی جنسیت را کدگذاری کرده‌اند و تفاوت‌های این کدگذاری‌ها را ارائه می‌دهد. و در این راه، پارادایم‌های جامعه‌شناسی زبان، انسان‌شناسی زبان‌شناختی، و کارکردگرایی را برای ایجاد دانش مبتنی بر ساختار و عملکرد زبان به کار می‌گیرد. مثال‌های ارائه شده عموماً از تفاوت‌های میان ضمایر سوم شخص مفرد مؤنث و مذکر انگلیسی (she و he) استفاده می‌کند تا نشان دهد که عملکردهای جنسیت نه تنها به صورت معنایی و کارکردی، بلکه به صورت فراعمل گرایانه<sup>۱</sup> نیز لحاظ شده‌اند. در ادامه با پرداختن به سوژه انسانی، و نه سوژه زبان در معنای ذاتی آن، در بخش سوژه زبان بیان می‌کند که سوژه انسانی نیز به لحاظی خود محصول زبان است.

فصل چهارم با عنوان معناشناسی شناختی و طرح‌واره‌های تصویری با نیروهای تجسم یافته نوشته پیتر گاردنفورس، مسیر پژوهش خود را از بررسی انگاره‌های اساسی در معناشناسی (معناشناسی واقع گرا و معناشناسی شناختی) آغاز می‌کند و از این رهگذر به مفهوم طرح‌واره و اهمیت آن در معناشناسی شناختی می‌رسد. در این انگاره، هر واژه به طرح‌واره‌ای ذهنی ارجاع دارد - و نه واقعیتی بیرونی - که به دلیل همین ارجاع‌مندی ادراک‌پذیر می‌شود. این طرح‌واره‌های معنایی عموماً طرح‌واره‌های تجسم یافته هستند و به همین دلیل، می‌توان بسیاری از آن‌ها را به صورت طرح‌واره‌های تصویری ارائه نمود. در ادامه

نظريات و انگاره‌های مختلف در تولید طرح‌واره‌های تصویری مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که انتقال پویایی نیروها در ارائه طرح‌واره تصویری گویا و متناسب با طرح‌واره‌های ذهنی ضروری است. امری که تحلیل معناشناختی را ضرورتاً در تلازم با تحلیل روابط اجتماعی و نیروهای ذهنی قرار می‌دهد.

فصل پنجم با عنوان محدودیت‌های شناختی برای بازنمایی‌های فرهنگی نوشتۀ پاسکال بویر سعی دارد از ایده‌ها و نظریات انسان‌شناسی شناختی برای فهم منطق ایده‌های مذهبی و همچنین موضوع انتقال فرهنگ و مسئله فرهنگ‌پذیری، استفاده کند. نویسنده مقاله بر آن است که طرح ایده فرهنگ‌پذیری به مثابه امری اجتماعی، سبب نوعی تحریف در شناخت و تبیین انتقال و تداوم ایده‌های فرهنگی شده است. او بر آن است که منطق بنیادین ذهن انسانی در حیطه فرهنگ، بیانگر ویژگی‌هایی است که نسبت امور مختلف فرهنگی، از امور جسمانی و فیزیکی گرفته تا امور کاملاً انتزاعی مانند ایده‌های مذهبی، را با آن خصیصه‌های بنیادی تعیین‌کننده حضور و تداوم و تکرار آن‌ها در فرهنگ تعیین می‌کند. پیش‌تر در برخی متون منتشرشده در سایت کلیات انسان‌شناسی شناختی و همچنین مباحث آن در حیطه‌هایی از رابطه زبان و فرهنگ مطرح شد؛ در این نوشتار عرصه دیگری از مباحث انسان‌شناسی شناختی یعنی مطالعات دین و فرهنگ مورد بحث قرار گرفته است. این نوشتار نقدي است بر مطالعات رایج در باب فرهنگ و مذهب. اميد است این مجموعه نوشتارها بتوانند گامی برای تحول علم انسان‌شناسی به‌طور عام و انسان‌شناسی شناختی به‌طور خاص در ایران باشند. البته باید توجه داشت که مطالعات علمی به‌ویژه در نظریات علوم شناختی ممکن است در برخی از حیطه به نظریاتی برستند که با عقاید و سنت‌های دینی ما متباین باشند. آنچه مهم است باید بدانیم که این تباین و تناقض میان برخی یافته‌های علمی با گزاره‌های دینی ما، لزوماً به معنای صحت علم نیست، بلکه یک قیاس مع‌الفارق است. احکام علمی، گزاره‌ها و فرضیه‌های موقتی ای هستند که در بستر زمان ممکن است به‌طور کامل تغییر کنند. اما اصولاً باید گزاره علمی را الگویی برای صدور